

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزبانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزبانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزبانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



عزیزبانک، بانک مورد اعتماد همه

www.azizibank.af 1515

## یادداشت روز

### سکوت مبهم و نگرانی روشن

دیروز برخی شاهدان عینی در شبکه های اجتماعی نوشتند که نیروی ویژه پولیس، گارنیزون کابل و واکنش سریع در اطراف خانه جنرال دوستم در منطقه «شیرپور» مستقر شده اند. به دنبال آن، در رسانه ها گزارش شد که نیروهای امنیتی خانه آقای دوستم را محاصره کرده اند و ظاهراً به دنبال دستگیری ۹ محافظ وی که از سوی دادستانی کل در ماجرای مربوط به احمد ایشچی متهم شناخته شده اند، می باشند.

ساعات پایانی بعد از ظهر جنرال گل نبی احمدزی، قوماندان گارنیزون کابل، به رادیو آزادی گفت که نیروهای امنیتی برای «تصفیه و تلاشی» در جایی که خانه جنرال دوستم نیز در آن قرار دارد، رفته اند. آقای احمدزی پاسخ صریحی در مورد دلیل اجرای این عملیات نداده و صرفاً به اجرای یک مأموریت امنیتی تأکید کرده است. اطرافیان آقای دوستم، از جمله بشیراحمد تینج-عضو پارلمان- نیز گفته اند که مأموران امنیتی برای تأمین امنیت در آن منطقه مستقر شده اند. به این ترتیب هر دو طرف بر این نکته اذعان کرده اند که حضور سنگین نظامی در پایتخت، ربطی به قضیه دستگیری یا تهدید محافظان و خود آقای دوستم ندارد. با این حال، حادثه دیروز موارد پرسش برانگیز و مبهمی دارد که باید طرح...

ادامه در صفحه ۲

## تفاهم نامه ی آغاز کار دیزاین مهندسی پروژه ی تاپی امضاشد



صفحه ۲

### خاطرات تلخ باز ماندگان از جنگ ده ساله ی شوروی در افغانستان

درست بیست و هشت سال از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان می گذرد. این روز در تقویم رسمی کشور رخصتی عمومی است که دولت همساله از آن به گونه ی رسمی تجلیل و یادبود به عمل می آورد. دولت و سران جهادی در افغانستان، پیروزی مجاهدین در برابر شوروی را یک دست آورد بزرگ تاریخی می دانند. افغانستان برای...

صفحه ۴

### ترامپ و تروریسم راهبردامریکا پس از داعش



صفحه ۳

دست روی دست گذاشتن در یک گزینه ی مفرط، ایالات متحده می تواند از فرصتی که با شکست داعش فراهم شده است برای روی دست گرفتن راهبرد عدم دخالت نظامی در شرق میانه که منتقدان آرامش طلب از آن طرفداری می کنند، بهره برداری کند...

با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

1 جایزه بزرگ

1,000,000

افغانی

با مصرف نمودن کریدت بیشتر، چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد! برنده گان جوایز فقط از طریق شماره 152 مطلع خواهند شد و افغان بیسیم هیچ وقت در بدل جایزه تقاضای پول و یا کریدت نمی کند.



این پیشکش الی 10 فور 1396 ادامه دارد.

راجستر سیمکارت حتمی است. مشتریانی این جوایز را بدست آورده میتوانند که سیمکارت به اسم خودشان ثبت باشد.



www.afghan-wireless.com



ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan

ادامه‌یادداشت روز

و شکافته شود.

اول؛ در درجه‌ی اول می‌توان به تعدد در پنهان‌کاری اشاره کرد. حضور سنگین نظامی در مناطق اطراف خانه‌ی معاون اول ریاست‌جمهوری، به‌صورت گسترده به این گمان دامن زد که «حکومت به‌دنبال محاصره و تحت فشار گذاشتن آقای دوستم و دستگیری محافظان او» است. گمانه‌یی که باعث تشدید نگرانی میان شهروندان شد. این نگرانی با سکوت مسئولان حکومتی شدت بیشتری یافت. به‌صورت مشخص، سخنگوی وزارت داخله، سخنگوی قوماندانی امنیه‌ی شهر کابل و نیز سخنگویان ریاست‌جمهوری، مسئول‌اند تا از طریق رسانه‌ها از این مسأله ابهام زدایی کنند. شهروندان حق دارند بدانند که در شهرشان چه می‌گذرد.

ابهام موجود، فرصتی را برای نشر شایعه و افترا نیز فراهم آورد. فرصتی که منجر به تفرقه و تنش اجتماعی بیشتری می‌شود. همواره تنش‌های ولو کوچک سیاسی در غیبت صراحت و شفافیت، منجر به خلق سوءفهم‌ها و در نتیجه موضع‌گیری و واکنش‌های خشم‌آلود شده است. سکوت مسئولان حکومتی در این مورد، نشانه‌ی آشکار بی‌توجهی به مسئولیت‌های‌شان در قبال شهروندان می‌تواند تلقی شود. تأمین امنیت روانی و شفاف‌سازی امور بخشی از انتظار شهروندان است و برآورده کردن آن نیز به نظر نمی‌رسد که کار طاقت‌فرسای باشد. دوم؛ به نظر می‌رسد کشمکش ارگ و دفتر معاونیت اول ریاست‌جمهوری پایان نمی‌پذیرد. دو روز پیش (دوشنبه) جنرال دوستم با بخشی از هواداران و محافظانش به‌صورت سرزده به دفتر کارش برگشت. اقدامی که برخلاف توقع ریاست‌جمهوری و رییس‌جمهور غنی بود. از این منظر، آقای دوستم ضمن آن‌که به درخواست‌های مکرر دادستانی کل اعتنایی نکرد، با شکستن حصر غیررسمی به دفتر کارش برگشت. اقدامی که به دنبال به چالش کشیدن اقتدار آقای غنی نیز به‌حساب می‌آید.

از این جهت، فرستادن نیروهای امنیتی در اطراف خانه‌ی جنرال دوستم، می‌تواند به دو هدف صورت گرفته باشد: ۱- جلوگیری از رفتن احتمالی جنرال دوستم به دفتر کارش و ۲- تحت فشار گذاشتن آقای دوستم برای جدی گرفتن وجهه و اقتدار حکومت و دفتر ریاست‌جمهوری. وگرنه، تعجب‌برانگیز است که فرستادن نیروی نسبتاً بزرگی با سازوبرگ نظامی به شیرپور، صرفاً به هدف «تصفیه و بازرسی» باشد. زیرا هیچ مسأله‌ی امنیتی جدی‌یی در این منطقه، به اطلاع شهروندان رسانده نشده است.

واقعیت این است که پرونده‌ی جنجالی ایشچی و دوستم، عرصه را برای تنش‌های بیشتر سیاسی هموار کرده است. ریاست‌جمهوری در برابر یک وضعیت سختی قرار دارد، نادیده انگاشتن این پرونده حکم سهل‌انگاری در برابر مسایلی را دارد که افغانستان نسبت به آن با حامیان بین‌المللی‌اش تعهد جدی دارد. مانند حمایت از حقوق بشر و قانون. از جهتی دیگر، جنرال دوستم یار انتخاباتی غنی و معاون اول حکومت وی نیز است. موقعیتی که برخورد با او را به‌ویژه از این جهت که اعتبار قومی بلندی نیز دارد، سخت‌تر کرده است. در کنار این دو مسأله، در مورد اصل پرونده نیز ابهام‌های وجود دارد. دفتر آقای دوستم همواره اتهام‌های احمد ایشچی را رد کرده است. از نظر حامیان آقای دوستم، ادعاهای احمد ایشچی پیش از آن‌که پیوند وثیقی با واقعیت داشته باشد، ناشی از اغراض سیاسی است. دیدگاهی که در میان بخشی از مردم نیز تسری یافته و سرانجام کم نیستند کسانی که می‌پندارند پرونده‌ی ایشچی ماهیت سیاسی دارد و به هدف تحت فشار گذاشتن آقای دوستم اجرا می‌شود.

از این منظر، مسئولانه‌تر این است که دادستانی کل متکی بر اصول حرفه‌یی‌اش، نتیجه‌ی بررسی‌هایش را همگانی سازد.

به هر حال، چه رفتن دوستم به دفتر کارش به هدف اجرای مانور سیاسی باشد یا امر معمولی، نیز چه دلیل استقرار نیروهای امنیتی تصفیه و بازرسی منطقه باشد یا دستگیری محافظان جنرال دوستم، اما تعدد در پنهان‌کاری و امتناع از روشن کردن مسأله برای شهروندان که ماهیه نگرانی بیشتر می‌شود، نمی‌تواند توجیهی بپذیرد.

## تفاهم‌نامه‌ی آغاز کار دیزاین مهندسی پروژه‌ی تاپی امضاشد

اطلاعات روز: تفاهم‌نامه‌ی آغاز کار دیزاین مهندسی پروژه‌ی تاپی میان شرکت افغان‌گاز و شرکت «آی ال اف» با حضور رییس‌جمهور غنی در ارگ امضا شد.

پایپ‌لاین گاز تاپی از دولت‌آباد ترکمنستان آغاز و پس از طی کردن ۱۷۳۵ کیلومتر از خاک و افغانستان به فاضلیکا به شبکه‌ی گاز هند وصل می‌شود.

همایون قیومی، مشاور ارشد رییس‌جمهور در امور زیربناها به روز سه‌شنبه گفت جای خرسندی است که برای تکمیل شدن پروژه‌ی ملی و منطوقی یک گام مهم بر می‌داریم و تفاهم‌نامه‌ی آغاز کار تاپی بخش افغانستان را امضا می‌کنیم. به گفته‌ی آقای قیومی، پروژه‌ی تاپی تنها پایپ‌لاین گاز نه بلکه دهلیز اقتصادی برای انتقال فابیر نوری می‌باشد که ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند را با هم وصل و این کشورها را به اروپا ارتباط می‌دهد.

غزال حبیبیار، سرپرست وزارت معاون و پترولیم گفت پروژه‌ی تاپی به ارزش ۴٫۷ میلیون دالر امریکایی در دو مرحله تکمیل خواهد شد که برای افغانستان و منطقه از نگاه اقتصادی و اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است.

مرحله‌ی نخست پروژه‌ی پایپ‌لاین گاز تاپی، تنظیم امنیت پروژه، موافقت‌نامه‌ها، طرح و دیزاین، مطالعات محیط زیستی و اجتماعی، ماین‌پاکی، سروی جزئیات مسیر پایپ‌لاین گاز و استملاک زمین است که طی یک سال تکمیل می‌شود. به گفته‌ی سرپرست وزارت معاون و پترولیم، مرحله‌ی دوم پروژه‌ی تاپی سه سال را در بر می‌گیرد و تطبیق اساسی و عملی پروژه است. این پایپ‌لاین گاز ظرفیت انتقال ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز را در یک سال دارا می‌باشد که از ترکمنستان آغاز و از مسیر ولایت‌های هرات، فراه، هلمند، نیمروز و قندهار به پاکستان و سپس

به هند ادامه پیدا می‌کند. از طریق ترانزیت این پروژه سالانه ۴۰۰ میلیون دالر امریکایی نصیب افغانستان می‌شود. همچنان گفته می‌شود این پروژه زمینه‌ی کاری را برای هزاران نفر فراهم می‌سازد.

سرپرست وزارت معادن و پترولیم همچنان گفت این پروژه افغانستان را به مرکز ترانزیت آسیای میانه مبدل خواهد نمود و دهلیز مهم اقتصادی افغانستان خواهد بود. زیرا در مسیر تاپی، برخی پروژه‌های دیگر مانند انتقال برق، احداث خط آهن، تاسیس پارک‌های صنعتی و انتقال فابیرنوری نیز در نظر است.

مراد امانوف، رییس عامل شرکت احداث پروژه‌ی تاپی گفت این پروژه یکی از پروژه‌ها و دهلیزهای بزرگ اقتصادی در منطقه است که باعث رشد و توسعه‌ی اقتصادی در عرصه‌های مختلف و ثبات اجتماعی خواهد شد.

به گفته‌ی او، کارهای مقدماتی و اسناد انجینیری این پروژه انجام شده و کشورهای دخیل در آن به‌ویژه ترکمنستان، متعهد بر تطبیق و تکمیل پروژه‌ی تاپی می‌باشند.

او گفت شرکت‌های زیاد ملی و بین‌المللی علاقمندی زیاد برای سهم گرفتن در تطبیق این پروژه دارند. به گفته‌ی او در حال حاضر در بخش مالی مشوره صورت می‌گیرد تا ارزیابی‌های همه‌جانبه انجام شود و مشکلات آینده نیز پیش‌بینی شود.

او گفت باید آگاهی مردم نسبت به مزایای این پروژه افزایش یابد تا همه به اهمیت آن پی ببرند.

قرارداد ابتدایی پایپ‌لاین گاز تاپی بین چهار کشور در سال ۲۰۱۴ امضا شد و کار عملی آن در سال ۲۰۱۵ در خاک ترکمنستان آغاز گردید. قرار است این پروژه در سال ۲۰۲۰ به بهره‌برداری سپرده شود.

## کمک چهار میلیون یورویی ایتالیا برای کاهش مرگ‌ومیر مادران و نوزادان

اطلاعات روز: افغانستان و ایتالیا توافق‌نامه‌یی را به امضا رسانده‌اند که براساس آن ایتالیا ۴ میلیون یورو برای کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان به افغانستان کمک می‌کند.

وزارت مالیه با نشر این خبر گفته است که توافق‌نامه‌ی کمک بلاعوض دیروز، ۳ حوت، میان اکیلیل حکیمی وزیر مالیه، فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه و روبرتو کانتون، سفیر ایتالیا در کابل امضا شده است.

به گفته‌ی وزارت مالیه این پول قرار است توسط وزارت صحت عامه در ولایت‌های کابل و هرات جهت تقویت انستیتیوت‌های صحتی، بخش قلبی برای اطفال، بازسازی شعبه‌ی جراحی شفابخانه‌ی صحت طفل اندرا گاندی و فراهم‌آوری برنامه‌های آموزشی صحتی به مصرف برسد.

این تفاهم‌نامه در حالی امضا می‌شود که یک گزارش تازه‌ی وزارت صحت عامه و اداره‌ی

## نقش زنان در تصمیم‌گیری نهادهای دولتی کمتر از یک‌درصد بوده است

شیرمحمد جامی‌زاده گفته است که در حال حاضر میزان سهم زنان در سطح تصمیم‌گیری ۱۰٫۷ درصد است، گرچه توقع دولت افزایشی به مراتب بالاتر از این بود.

حکومت متعهد است که مشارکت زنان در سطح تصمیم‌گیری را تا سه سال دیگر به ۳۰ درصد برساند. اما با توجه به رشد آهسته در این عرصه، رسیدن به این هدف ناممکن به نظر می‌رسد.

در همین حال سپوژمی وردک، معاون وزارت امور زنان با ابراز نگرانی از این موضوع گفته است که آمار ثبت شده در این وزارت و یافته‌های اداره‌ی مرکزی احصائیه نشان می‌دهد که رشد سهم زنان در سطح تصمیم‌گیری در ده سال گذشته نیز کمتر از ۲ درصد بوده است.

در حال حاضر در افغانستان ۴ وزیر زن و ۸ معاون وزیر زن کار می‌کنند. همچنین از میان ۳۴ ولایت افغانستان فقط ولایت دایکندی به‌وسیله زن اداره می‌شود.

## تأکیدسفارت امریکا بر نابودی کشتزارهای خشخاش

اطلاعات روز: هوگو لارنس، سرپرست سفارت ایالات متحده در کابل به حمایت دولت امریکا در امر مبارزه با مواد مخدر تأکید نموده می‌گوید ما بایدکشتزارهای بیشتر خشخاش را از بین ببریم.

آقای لارنس به روز سه‌شنبه، ۳ حوت در ورکشاپ «جلوگیری از مواد مخدر: سال ۲۰۱۷ و بعد از آن» در سفارت امریکا گفت بزرگی و عظمت مشکل مبارزه با مواد مخدر در افغانستان را همه می‌دانیم، ما باید کشتزارهای بیشتر خشخاش را از بین ببریم، هیروئین بیشتر را ضبط و مصادره کنیم و قاچاق‌بران بیشتر را تحت پیگرد قرار دهیم.

او گفت: «... جریان گردش این مواد مضر را کاهش دهیم... با کمک شما ما می‌توانیم به‌طور مشترک برای افغان‌ها آینده‌ی بهتر را به میان بیاوریم.»

سفارت امریکا در کابل با ارسال خبرنامه‌یی به اطلاعات روز نوشته است که این همایش بر جلوگیری از مواد مخدر تمرکز داشت و بعد از تدویر ورکشاپ «هماهنگی تلاش‌های مبارزه با مواد مخدر برای سال ۲۰۱۷ و بعد از آن» راه‌اندازی شده است.

ورکشاپ قبلی به تاریخ ۱۸ الی ۲۰ دلو برگزار شده بود. در این دو ورکشاپ طیف وسیعی از مسایل مرتبط به مواد مخدر چون: پلان عمل ملی افغانستان برای مبارزه با مواد مخدر، تلاش‌های آگاهی عامه، محو مواد مخدر، و انکشاف بدیل را تحت پوشش قرار داده و دستورکار مشترک مبارزه با مواد مخدر برای سال ۲۰۱۷ و پس از آن را تنظیم نموده‌اند.

این مقام سفارت ایالات متحده در حالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که گزارش ماهوار مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم مسکرات و مواد مخدر نشان می‌دهد که «در جریان ماه دلو سال جاری ۳۶ قضیه به مظنونیت ۴۸ تن مظنون به جرایم مسکرات و مواد مخدر از سراسر کشور به این مدیریت مواصلت کرده است.»

در راپور مدیریت عمومی تدقیق، بررسی و لابراتوار پولیس این مرکز آمده است که مجموع مواد مخدر ضبط شده در ماه دلو به ۳۰۲٫۳۳۶ کیلوگرام هیروئین، ۳۷٫۱۶ کیلوگرام مورفین، ۶۰۰۷٫۱ کیلوگرام تریاک، ۲۴۲۰ کیلوگرام چرس، ۳۰۷۱٫۶ کیلوگرام مواد کمیایوی جامد و ۴۶۵ لیتر مشروبات الکلی می‌رسد. ولایت کابل با داشتن ۱۵ قضیه، ولایت ننگرهار و نیمروز هریک با داشتن ۵ قضیه در صدر فهرست ولایات دارای قضایا قرار گرفته است.

## اتحادیه‌ی اروپا فروش جنگ‌افراز به طالبان را پیگیری می‌کند

اطلاعات روز: در پی نشر خبرهای فروش اسلحه و مهمات نظامی توسط سربازان به مخالفان مسلح دولت، اتحادیه‌ی اروپا آن را «غم‌نامه» خوانده و گفته است که کشورهای کمک‌کننده به افغانستان این موضوع را بررسی خواهند کرد.

فرانس مایکل میلیبن، سفیر اتحادیه‌ی اروپا در کابل به طلوع نیوز گفته است: «این یک غم‌نامه است. جنگ‌افزار و مهمات نظامیان به دشمنان کشور داده می‌شوند. ما این رویداد را بررسی می‌کنیم.»

سفیر اتحادیه‌ی اروپا گفته است که روز سه‌شنبه، ۳ حوت با مقام‌های ماموریت حمایت قاطع گفت‌وگو کرده و طرف‌های جهانی هیچ شکی ندارند که این یک رسوایی است و باید پایان یابد. او گفته است: «ما تدابیری را در دست می‌گیریم تا از این کارهای فسادآلود، آسان‌تر جلوگیری شود.»

دولت وزیر، سخن‌گوی وزارت دفاع ملی نیز به پیگرد کسانی که در این قضایا دست داشته‌اند تأکید کرده است.

او گفته است: «اگر کدام کسی این‌طور پیدا شود که خدا نخواست مرمی را بفروشد، سلاح را بفروشد، ولی من فکر نمی‌کنم. اما اگر مرمی را بفروشد، او فوراً دستگیر می‌شود، به پنجه قانون سپرده می‌شود، بندی می‌شود.» در تازه‌ترین مورد خیر بازداشت هشت سرباز پولیس در بادغیس به اتهام فروش مرمی به طالبان منتشر شد. این موضوع واکنش‌های مقام‌های خارجی را در افغانستان برانگیخته است.

تکیه خواهد کرد. در همه‌ی موارد، شریکان منطقه‌یای بخش اعظم این کار را انجام خواهند داد. بنابراین راهبرد حضور اندک مدیریت آنچه که یک تهدید واقعی اما محدود پنداشته می‌شود را هدف قرار خواهد داد، نه شکست آن را - و این کار را با کمترین هزینه‌ی ممکن انجام خواهد داد.

این رویکرد فضیلت‌های خودش را دارد. از توانایی‌های بی‌نظیر نظامی ایالات متحده، مانند توانایی انجام حملات از فاصله‌ی دور، استفاده خواهد کرد تا بدون خلق پیامدهای منفی که مداخلات نظامی کلان باعث آن می‌شوند، فشار بر سازمان‌های تروریستی را حفظ کند. این رویکرد هم چنین از نفت پاشیدن بر آتش تهدید در داخل کشور اجتناب خواهد کرد و تهدیدی را حفظ خواهد کرد که در مقایسه با خشونت مسلحانه‌ی تعداد بسیار کمتری از آمریکاییان را می‌کشد.

به طور خاص، هرچند هزینه‌ی یک راهبرد حضور اندک بسیار بیشتر از عدم مداخله خواهد بود، این راهبرد در مقایسه با گزینه‌های تهاجمی‌تر کم هزینه است. بنابراین، این راهبرد می‌تواند منابعی را آزاد کند تا با دیگر مشکلات عاجل و فشارآور، از تغییرات جوی تا ظهور مجدد رقابت قدرت‌های بزرگ، مقابله شود. با توجه به این مزیت‌ها، تعجبی ندارد که این رویکرد، پس از پایان جنگ عراق و مرگ بن لادن، حکومت اوباما را مجذوب ساخت.

با این حال، چنانچه حکومت اوباما پی بُرد، حضور اندک نوش‌دارو نیست. از یک لحاظ، این راهبرد به معنای تکیه بر بازیگران محلی ناخوش‌آیند است که به انجام کارهای اخلاقاً مخوف خو گرفته‌اند و نه حتی این راهبرد ضامن پیروزی است. در بهترین حالت، این راهبرد شامل پافشاری و مقاومت بسیار زیاد صرفاً به‌خاطر مهار کردن سازمان‌های تروریستی و جلوگیری از فاجعه خواهد بود که حکومت اسرائیل نسخه‌ی خودش از این راهبرد را «چمن زنی» می‌نامد. در بدترین حالت، شریکان محلی بدون حمایت بیشتر ایالات متحده از حمایتی که این گزینه مستلزم آنست، در مهار گروه‌های تروریستی شکست خواهند خورد - چیزی که در گذشته این راهبرد محکوم به فنا ساخته است.

به طور مثال، واشنگتن بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ زمان و پول قابل توجهی را صرف ساختن نیروهای امنیتی عراق به عنوان یک شریک ضدتروریسم کرد تا صرف شاهد فروپاشی آن پس از ۲۰۱۱، زمانی که ایالات متحده سربازانش را از عراق خارج ساخت، باشد. این به داعش اجازه داد تا شبیه دولت خودش را تاسیس کند، سربازان خارجی استخدام کند و حملات را هدایت کرده و به حمله کنندگان الهام ببخشد.

اتفاق مشابهی در یمن افتاد. رویکرد حضور اندک برای مدتی علیه القاعده در شبه جزیره عربی خوب کار کرد، چنان خوب که حکومت ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ آن را به عنوان یک الگوی مبارزه با تروریسم تبلیغ کرد. با این حال، در اوایل ۲۰۱۵ دولت و نیروهای مسلح یمن، پیش از شورش هوئی‌هایی که از حمایت خارجی برخوردارند، در حال فروپاشی بود؛ فروپاشی‌ای که داشت ماموریت ضدتروریسم ایالات متحده خراب می‌کرد و به القاعده در شبه جزیره عربی اجازه می‌داد که تا قلمرواش در این کشور را توسعه بدهد. خطر یک رویکرد حضور اندک در آن زمان این است که احتمالاً هزینه‌ی عمل خواهد بُرد اما در تحت کنترل نگهداشتن این تهدید کار چندانی از پیش نخواهد برد و این که اگر ناکام شود مستلزم آن خواهد بود که ایالات متحده تحت شرایطی با مطلوبیت کمتر از قبل مداخله کند در حالی که رهبران مسئول نیز به شدت مورد انتقاد قرار خواهند گرفت. این دقیقاً همان اتفاقی است که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ برای حکومت اوباما افتاد و باعث شد که این حکومت به یک راهبرد تهاجمی‌تر رو بیاورد.

ادامه دارد ...

# ترامپ و تروریسم راهبرد امریکا پس از داعش

فارین افروز / پتر فیوروهال برنرز

ترجمه: حمید مهدوی

بخش دوم



راهبرد نه عملی است و نه از لحاظ سیاسی دوام خواهد آورد.

## رویکرد آرام و محتاطانه

یک راهبرد پسداداعش نباید مبارزه‌ی ایالات متحده با تروریسم را به دهه‌ی ۱۹۹۰ عقب ببرد. یک گزینه‌ی دومی با حضور اندک اوضاع را شبیه به دوره‌ی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، پس از مرگ بن لادن اما قبل از آن‌که داعش به عنوان یک نیروی کلان ظهور کند، خواهد ساخت. منطق پشت این راهبرد این است که ایالات متحده می‌تواند با استفاده از نیروی نظامی برای جنگ با گروه‌های تروریستی‌ای که توانایی انجام حملات بزرگ را دارند، تروریسم را به یک سطح قابل تحملی تقلیل بدهد. اما در این نباید افرات شود، چون خارجی‌ها نمی‌توانند مشکلات سیاسی دیرینه و عمیق در جهان اسلام که باعث تروریسم می‌شوند، را حل کنند. بنابراین، ایالات متحده باید از متعهدشدن به سربازان و منابع بسیار بپرهیزد؛ خطر گیرماندن در یک باتلاق به اندازه‌ی خطر تروریسم بزرگ است.

در عمل، این راهبرد مستلزم تلاش‌های نظامی دوامدار و پیش‌گیرانه خواهد بود تا خطرناک‌ترین سازمان‌های تروریستی، در هر جایی که باشند، تضعیف شوند. با این حال، ایالات متحده با محدودساختن خودش به حملات هواپیماهای بدون سرنشین، حملات هوایی و حملات گاه‌گاه نیروهای عملیات‌های ویژه، حتی از به کارگیری نسبتاً کم نیروهای زمینی ایالات متحده خودداری خواهد کرد. در جایی که نیروهای زمینی برای مهار مرگ‌آورترین سازمان‌های تروریستی نیاز باشند - به طور مثال، القاعده در شبه جزیره عربی یا الشبাব - واشنگتن با کمک از طریق حملات فاصله‌دور و پشتیبانی تدارکاتی، برای تهیه‌ی آن [نیروهای زمینی] به حکومت‌های منطقه

نکته‌ی تبلیغاتی قدرتمندی به دست تروریستان خواهد داد که ایالات متحده وقتی خونش ریخته شود، فرار را بر قرار ترجیح خواهد داد. باتوجه به نقش سنتی واشنگتن به عنوان یک تامین‌کننده‌ی ثبات در منطقه، عدم مداخله هم‌چنین در خاور میانه خلای قدرت ایجاد خواهد کرد؛ خلای که احتمالاً تهدیدی است برای دولت‌های حیاتی برای منافع امریکا، مانند عربستان سعودی.

بدتر از همه، عدم مداخله احتمالاً از تهدید تروریسم نخواهد کاست. هرچند مداخله‌ی ایالات متحده یک منبع خشم... جهادی‌ها است، منابع دیگری نیز وجود ندارند از جمله ارزش‌های لیبرال ایالات متحده و حمایت غیرنظامی آن از رژیم‌های سرکوب‌گری چون مصر و عربستان سعودی. هرچند ممکن است انفعال از مقاومت ضد آمریکایی بکاهد، این احتمال نیز وجود دارد که مانع مختل ساختن خطرات اولیه توسط ایالات متحده شود - چنانچه که قبل از یازدهم سپتامبر، وقتی مقام‌های آمریکایی نتوانستند با تهدید رو به رشد القاعده مقابله کنند، اتفاق افتاد. آنوقت، عدم مداخله ایالات متحده را از قلب هدف تروریستان بیرون نخواهد برد، اما ایالات متحده را از ابزارهای مورد نیاز برای در حاشیه نگهداشتن تهدید [تروریسم] محروم خواهد ساخت. اگر یک حالت کمتر تهاجمی به حمله‌یای با تلفات گسترده نسبت داده شود، رهبرانی که روی عدم مداخله قمار زده‌اند احتمالاً با تهاجمی سیاسی مواجه خواهند شد. با توجه به این جنبه‌های منفی، احتمالی نمی‌رود که هیچ یکی از رؤسای جمهوری امریکا عدم مداخله را بپذیرند. به این دلیل است که می‌گویند حکومت اوباما، باوجودی که به دنبال مرگ اسامه بن لادن در سال ۲۰۱۱ تاحدودی به منطق عدم مداخله علاقه نشان داد، سرانجام به این نتیجه رسید که این

## دست روی دست گذاشتن

در یک گزینه‌ی مفرط، ایالات متحده می‌تواند از فرصتی که با شکست داعش فراهم شده است برای روی دست گرفتن راهبرد عدم دخالت نظامی در شرق میانه که منتقدان آرامش طلب از آن طرفداری می‌کنند، بهره‌برداری کند. این گزینه، نشان دهنده‌ی نقض بنیادین اقدامات اخیر و بازگشت به راهبرد مبارزه با تروریسم ایالات متحده در دهه‌ی ۱۹۹۰ و حتی قبل از آن خواهد بود. این به معنای کاهش دراماتیکی حضور نظامی ایالات متحده در شرق میانه خواهد بود که هیچ نیروی جنگی‌یای فراتر از تعداد نیرویی که برای تامین امنیت سفارتخانه‌های ایالات متحده نیاز است، باقی نخواهد ماند. واشنگتن هنوز حملات ضدتروریستی اندکی انجام خواهد داد، اما این حملات اکثراً ماهیت تلافی‌جویانه خواهند داشت؛ مانند حملات بر پایگاه‌های القاعده به دستور بیل کلینتون، رییس جمهور ایالات متحده در سال ۱۹۹۸، پس از آن‌که این گروه سفارتخانه‌های امریکا در کینیا و تانزانیا را بمب‌گذاری کردند. هرگونه حملات پیش‌گیرانه‌یای صرف علیه تهدیدات حتمی و قریب‌الوقوع و تنها با هواپیماهای بدون سرنشین یا دیگر روش‌های از راه دور و با کم مسئولیت حمله، انجام خواهد شد. علاوه بر آن، ایالات متحده هیچ‌گونه تلاشی برای یافتن شرکای ضدتروریسم از آغاز نخواهد کرد، چنانچه در افغانستان و عراق انجام داد، و همکاری نظامی فعلی‌اش در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم با کشورهای چون مصر و عربستان سعودی را به اندازه‌ی قابل توجهی کاهش خواهد داد.

بنابراین، عدم مداخله در درجه‌ی اول به معنای مواجهه با تروریسم با روش‌های غیرنظامی خواهد بود. ایالات متحده، در داخل کشور روی استخبارات و تنفیذ قانون تمرکز خواهد کرد. در خارج، این کشور روی به اشتراک‌گذاری معلومات استخباراتی با دیگر کشورها و تامین همکاری دیپلماتیک در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم متمرکز خواهد شد. عدم مداخله کمک‌های توسعه‌یای محدود به کشورهای خاور میانه را شامل خواهد شد، اما سیاست امریکا اساساً دوباره‌سازی آن‌ها را هدف قرار نخواهد داد. به عبارت ساده، عدم مداخله از حالت آماده‌باش جنگی ایالات متحده، چنانچه که در پانزده سال گذشته تجربه کرد، جلوگیری خواهد کرد.

منطق عدم مداخله ساده است: دخالت نظامی ایالات متحده در جهان اسلام نمی‌تواند مشکل تروریسم را حل کند؛ در حقیقت، این دخالت با کشت تخم خشم نسبت به دخالت امریکا این مشکل را بدتر خواهد ساخت. بنابراین، پا پس کشیدن تهدید تروریسم را به حداقل خواهد رساند. حداقل، عدم مداخله، یک هدف وسوسه‌انگیز و اغوا کننده (ارتش امریکا) را از حیاط خلوت تروریستان بر خواهد چید و پیامدهای ناخواسته‌یای را که با کشته‌شدن اتفاقی مردم بی‌گناه توسط نیروهای امریکایی یا دیگر اقدامات خام‌دستانه‌ی آن‌ها اتفاق می‌افتد، کاهش خواهد داد. این کار تروریستان را از مواد بسیار حیاتی تبلیغاتی شان - «اشغال» سرزمین مقدس توسط ایالات متحده - محروم خواهد ساخت. خوشبینانه‌تر این‌که عدم مداخله جهت خشم ستیزه‌جویان اسلام‌گرا را از ایالات متحده به طرف حکومت‌های سرکوب‌کننده‌ی خودشان تغییر خواهد داد و از افراطی شدن افراد میانه‌روتر جلوگیری خواهد کرد. ادامه‌ی این استدلال این‌گونه است که هرآنچه که از تهدید تروریسم باقی مانده باشد، می‌توان با آموختن درس ادامه دادن به زندگی باوجود حملات کوچک‌گاه‌به‌گاه، نه نشان دادن عکس‌العمل بیش از حد به آن‌ها، به بهترین شکل با آن مقابله کرد. عدم مداخله چنانچه که طرفداران آن ادعا می‌کنند به معنای آن است که ایالات متحده با انجام عملیات‌های کمتر و کوچکتر کردن ارتش‌اش سالانه میلیاردها دلار را پس انداز خواهد کرد.

با این حال، عدم مداخله مسئولیت‌های کلانی نیز با خود حمل می‌کند. این، یک

# خاطرات تلخ باز ماندگان از جنگ ده ساله‌ی شوروی در افغانستان

■ هادی سحر

درست بیست‌وهشت سال از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان می‌گذرد. این روز در تقویم رسمی کشور رخصتی عمومی است که دولت همه‌ساله از آن به‌گونه‌ی رسمی تجلیل و یادبود به‌عمل می‌آورد. دولت و سران جهادی در افغانستان، پیروزی مجاهدین در برابر شوروی را یک دست‌آورد بزرگ تاریخی می‌دانند. افغانستان برای خروج قشون سرخ بهای گزافی پرداخت. بیش از یک میلیون نفر در این جنگ نزدیک به ده ساله کشته شدند، هزاران نفر معلول و معیوب شدند و بیش از پنج میلیون نفر در کشورهای همسایه آواره شدند. هرچند افغانستانی‌ها پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی نیز روزگار خوبی را در این کشور تجربه نکردند اما به‌دلیل بیرون راندن بزرگترین قدرت جهان از سرزمین‌شان، همواره از این روز با افتخار یاد می‌کنند؛ زیرا به باور افغانستانی‌ها، خروج ناگزیرانه‌ی اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان که منجر به فروپاشی این ابرقدرت در جهان شد، تنها یک چیز را از کشورش در جهان بازتاب می‌دهد: وحدت و همدلی مردم مسلمان افغانستان در برابر تهاجم بیگانه‌گان.

پیامد تعرض قشون سرخ به افغانستان، برای اتحاد جماهیر شوروی هم سنگین تمام شد. در این جنگ که یکی از هزینه‌بردارترین جنگ‌ها شناخته می‌شود، دست‌کم نیم میلیون سرباز روس شرکت کردند که بر اساس روایت تاریخ، بیش از پانزده هزار تن از آنان کشته شدند و شماری هم دستگیر و یا هم ناپدید شدند. اما به راستی؛ سربازان جنگی روس چگونه و تحت چه شرایطی به افغانستان اعزام می‌شدند؟ آیا تمام سربازان روسی که در جنگ افغانستان شرکت داشتند آموزش دیده و مسلک بودند؟ آیا این سربازان از خود خانه و خانواده و زندگی نداشتند؟ آیا تمام این سربازان داوطلبانه به این جنگ طولانی و خونین حاضر می‌شدند؟ این سوالات را، سویتلانا الکسویچ، نویسنده‌ی مشهور بلاروس، در کتاب «تابوت‌های رویین» اش که جایزه‌ی ادبی نوبل ۲۰۱۵ را نیز کسب کرده است، به تفصیل پاسخ داده است. نویسنده‌ی این کتاب با شمار زیاد از شهروندان روسی که به‌منظور ایفای وظیفه در قالب ارتش سرخ به افغانستان آمده بودند و پس از تکمیل دوره‌ی خدمت‌شان دوباره به کشورشان برگشته‌اند و یا هم با بازماندگان قربانیان این جنگ مصاحبه کرده است. جدای از پاسخ و پرسش‌هایی که در فوق مطرح شد، چیزی در این مصاحبه‌های شهروندان روسی مایه‌ی تأمل است: ندامت شدید آنان از شرکت در این جنگ که به گفته‌ی آنان بیهوده است؛ که نه سود آن به آنان و کشورش رسید و نه هم به مردم افغانستان. بی‌رحمی و قساوت سربازان روس در برابر مردم افغانستان، از لایه‌های دیگری این کتاب است که آنان به صراحت به آن اعتراف کرده‌اند. بر اساس روایت‌های این کتاب، محیط خشن جنگ باعث می‌شود که شمار زیاد از آنان به مشکلات روانی گرفتار شوند تا جایی که بر خود و همسنگران‌شان هم رحم نمی‌کنند و مانند پشه یا خود و یا همکارانش را به گلوله می‌بندند. این کتاب در زمستان سال جاری، توسط مترجم توانمند و معروف کشور، حضرت وهریز، به فاسی دری برگردان شده است. سربازان روس در این مصاحبه اعتراف می‌کنند که مسئولان دولتی، آنان را با هزار

دروغ و نیرنگ و اجبار به افغانستان می‌فرستادند. یک عضو ارتش شوروی که در افغانستان هم راننده و هم سرباز بوده است، روند اعزام‌شان به افغانستان را این‌گونه روایت کرده است: «وقتی زخم پرسیده بود: "چطور کار شوهرم به افغانستان کشید؟" به او پاسخ دادند: "درخواست کرد داوطلبانه برو" تمام مادرها و همسرهای ما چنین پاسخی دریافت کرده بودند. اگر برای کار بزرگی، زندگی‌ام نیاز می‌بود، می‌گفتم: "نامم را بنوسید، من داوطلبم!" اما دو بار فریتم دادند: به جنگ فرستادند اما حقیقت را به من نگفتند. نگفتند به جنگی مرا می‌فرستند. من هشت سال بعدش حقیقت را دانستم. دوستانم زیرخاک در گور خوابیده‌اند و نمی‌دانند با این جنگ رذیلانه چطور آن‌ها را فریب دادند. گاه به آن‌ها حتی رشک می‌برم. هیچ‌گاه از این فریب باخبر نمی‌شوند. آن‌ها را دیگر نمی‌توانند فریب بدهند». سربازان زیادی روایت‌های مشابه دارند که نشان می‌دهند اتحاد جماهیر شوروی، آنان را به هزار نیرنگ به جنگ افغانستان فرستاده بودند. سرباز دیگری، سرنوشت‌شان را چنین شرح داده‌اند: «ما را پیش فرمانده خواستند و پرسیدند: بچه‌ها می‌خواهید پول خریدن موتر را پیدا کنید؟ البته که همه همصدا گفتیم: بلی، این آروزی ما است! بعدش گفتند: اما ابتدا شما باید بروید به کشتزارها و گندم درو کنید. همه موافقت کردیم. در هواپیما تصادفی از پیلوت‌ها شنیدیم که به تاشکند می‌رویم. شکی ناخواسته در ذهنم نشست: آیا واقعا ما را به کشتزار می‌برند؟ به‌راستی هواپیما در تاشکند نشست. ما را در صف منظم نظامی به سمتی در نزدیکی میدان هوایی بردند و در جایی قرار گرفتیم که با سیم‌های خاردار محصور بود. نشستیم. فرماندهان هیجانی این‌سو و آن‌سو می‌رفتند، باهم نجواکنان حرف می‌زدند. وقتی غذا که شد، صندوق‌های ودکا را یکی پی دیگری به سمت میزهای ما آوردند. در صف دو نفری، بایست! وقتی صف شدیم، همان‌جا اعلام کردند که هواپیمایی دنبال ما می‌آید و ما راهی جمهوری افغانستان استیم تا دین خود را به‌عنوان نظامی، ادا کنیم؛ دین سوگندی را که خورده‌ایم. چه محشری برپا شد! ترس و وحشت، آن روی حیوانی آدم‌ها را بالا آورد: برخی حیوان‌های آرامی شدند و برخی دیگر خشم‌گین. کسی از غم می‌گریست، کسی مات ماند و کسی هم از این فریب زشت و پلشت غرق خلسه شد. خوب، پس ودکا را به

این منظور آورده بودند! تا بهتر و آسان‌تر با ما کنار بیایند. پس از نوشیدن ودکا، وقتی مستی به سر بعضی‌ها زد، تلاش کردند فرار کنند، برخی هم با افسرها دست و گریبان شدند. اما اردوگاه را سربازان مسلح محاصره کرده بودند و آن‌ها حلقه را تنگ‌تر کردند». یکی از این سربازان در مصاحبه‌اش گفته که آدم کشتن برای آنان در افغانستان آسان‌ترین کار بوده است: «در چارسوی ما زندگی بود که درکش نمی‌کردیم. برای ما بیگانه بود. به همین خاطر کشتن در آن‌جا آسان‌تر بود نسبت به جاهایی که می‌شناختیم». مادری که فرزندش در افغانستان کشته شده بود، از آخرین لحظه‌های وداعش با فرزندش به یاد می‌آورد که دال بر فرستادن اجباری شهروندان روس در افغانستان می‌باشد: «صبح‌گاهی می‌برند، شاید بتوانم یکبار دیگر ببینمش. حتی اگر شود از دور. همه در یک نوع تی‌شرت راه‌راه می‌دویدند. نتوانستم پیدایش کنم. آن‌ها با هم در صف به تشناب می‌رفتند، در صف به ورزش می‌رفتند و در صف به طعام‌خانه می‌رفتند. یکی‌یکی به آن‌ها اجازه نمی‌دادند چون قبلا، یکبار، وقتی بچه‌ها پی برده بودند که آن‌ها را به افغانستان می‌فرستند، یکی‌شان در تشناب خود را حلق‌آویز کرده بود، دو تای دیگرشان رگ‌های‌شان را زده بودند. به این خاطر همیشه مراقب‌شان بودند». حضور ارتش قشون سرخ در افغانستان هر چند نزدیک به ده سال طول کشید اما به گواهی سربازان خود آن‌ها، در این مدت، برزخ و جهنم را با جان و دل از نزدیک لمس کردند: «شبم را می‌لیدیم، عرق خود را می‌لیدیم... باید زنده ماند. می‌خواهم زنده بمانم! من سنگ‌پشتی را گیر آوردم. با سنگ نوک‌تیز گلویش را پاره کردم. خونش را چوشیدم. دیگران نتوانستند هیچ‌کس نتوانست، آن‌جا ادرار خود را هم می‌نوشیدیم». هوای سوزان و طاقت‌فرسای کوه‌ها و صحراهای افغانستان، کمر سربازان روس را که در این کشور می‌جنگیدند خم کرده بودند. سربازی در مصاحبه با نویسنده‌ی این کتاب، از دشواری‌های ماموریت اجباری‌اش در افغانستان چنین بیان کرده است: «از فرط گرما به دیوانگی می‌رسیدیم، یک خشاب (شاجور) را به هوا خالی می‌کردیم یا به هر سوی... گاه کاروانی را محاصره می‌کردیم و وقتی مقاومت می‌کرد یا با ماشین‌دار آتش می‌کرد، ما دستور می‌گرفتیم: کاروان را نابود کنید... ما هم نابود

**سربازان و فرماندهان نظامی روس که در جنگ افغانستان شرکت کرده بودند، این جنگ را، یک جنگ بیهوده و بی‌معنا می‌خوانند که از نظر آن‌ها، تنها حاصل این جنگ، ایجاد بدبینی و نفرت مردم روس از آن‌عده سربازانی است که در این جنگ شرکت کرده‌اند. هر چند مسئولان حکومتی برای ترغیب جوانان به شرکت در نبرد افغانستان به‌ویژه برای آنان که کشته می‌شدند، لقب قهرمان را می‌دادند اما بر اساس روایت صریح این کتاب، این کارها، فریبی بیش نبوده است. حتا آن‌عده از شهروندان روس که در این نبرد شرکت نکرده بودند هم، این جنگ را بیهوده می‌خوانند و از اشتراک‌کنندگان این نبرد نفرت دارند. شاید کسانی که در این جنگ شانس زنده ماندن را پیدا کرده‌اند، بیشتر این را احساس می‌کنند: «پس از آن‌همه اتفاقی که آن‌جا افتاد، ما با این امید برمی‌گشتیم که در میهن، با آغوش باز از ما استقبال می‌کنند. اما ناگهان کشف کردیم؛ هیچ‌کسی علاقه ندارد بداند از چه آب و آتشی گذشته‌ایم».**

می‌کردیم... و آن‌گاه بود که چیغ و فریاد شترها تمام زمین را درمی‌نوردید. آیا به‌خاطر همین چیزها به ما مدال و نشان مردم سپاس‌گزار افغانستان را تفویض می‌کردند؟».

سربازان و فرماندهان نظامی روس که در جنگ افغانستان شرکت کرده بودند، این جنگ را، یک جنگ بیهوده و بی‌معنا می‌خوانند که از نظر آن‌ها، تنها حاصل این جنگ، ایجاد بدبینی و نفرت مردم روس از آن‌عده سربازانی است که در این جنگ شرکت کرده‌اند. هر چند مسئولان حکومتی برای ترغیب جوانان به شرکت در نبرد افغانستان به‌ویژه برای آنان که کشته می‌شدند، لقب قهرمان را می‌دادند اما بر اساس روایت صریح این کتاب، این کارها، فریبی بیش نبوده است. حتا آن‌عده از شهروندان روس که در این نبرد شرکت نکرده بودند هم، این جنگ را بیهوده می‌خوانند و از اشتراک‌کنندگان این نبرد نفرت دارند. شاید کسانی که در این جنگ شانس زنده ماندن را پیدا کرده‌اند، بیشتر این را احساس می‌کنند: «پس از آن‌همه اتفاقی که آن‌جا افتاد، ما با این امید برمی‌گشتیم که در میهن، با آغوش باز از ما استقبال می‌کنند. اما ناگهان کشف کردیم؛ هیچ‌کسی علاقه ندارد بداند از چه آب و آتشی گذشته‌ایم». این سرباز، پس از پایان ماموریت‌اش در افغانستان، با یک دنیا امید دوباره به مکتبش برمی‌گردد که شاید آن‌جا که یک محیط علمی است و از او استقبال شود اما او چنین گفته است: «گفت‌وگوی من و مدیر مکتب: من: باید یاد آن‌ها را گرامیداشت که در راه انجام ماموریت انترناسیونالیستی‌شان کشته شدند. او: آن‌ها ناکام‌ها، بدقلق‌ها بودند. چطور می‌توانم لوح افتخار را برای آن‌ها در مکتب بگذاریم؟ و این یعنی: چه کار قهرمانانه‌ی کردید؟ جنگ را باختید؟ این جنگ به سود چه کسی بود؟ به سود برژنف و جنرال‌ها؟ به آن متعصبین جهانی؟». یک سرباز دیگر داستان مشابهی را چنین روایت کرده است: «فکر نمی‌کردم به شما زنگ بزنم اما امروز در بس شنیدم چطور دو زن با هم بحث داشتند: این‌ها کجا قهرمانند؟ این‌ها آن‌جا زنان و کودکان را می‌کشتند. آیا این‌ها مردم معمولی‌اند؟ و بعد ببین که این‌ها را به مکتب‌ها دعوت می‌کنند، پیش کودکان ما. به آن‌ها امتیاز هم می‌دهند». از این‌گونه حکایت‌ها و سرگذشت‌ها در این کتاب زیاد آمده است که بر بیهوده خواندن جنگ اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان تأکید می‌کنند و آن‌هم از زبان خود فرماندهان نظامی که در افغانستان مامور بودند. یک جگرن، این جنگ را این‌گونه تعریف کرده است: «بروید بر گورها لوحه‌ی بی‌یادبازید که همه چیز اشتباه بود. بر سنگ گورها این را حک کنید! روی سنگ حک کنید تا برای قرن‌ها بماند». با این‌همه؛ به نظر می‌رسد خروج ارتش سرخ پس از یک نبرد خونین ده ساله از افغانستان که باعث سرنوشتی و از هم پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی در جهان شد، ظاهراً برای روس‌ها زیاد تأسف‌ناک هم نیست به‌ویژه برای سربازان و خانواده‌هایی که فرزندان‌شان در این نبرد ده سال کشته شدند. پیشیمانی و تأسف روس‌ها از این جنگ، تنها بیهوده بودن این جنگ است که در واقع شهروندان روس، قربانی یک سیاست نادرست و خودکامه‌ی دولتمردان‌شان شده‌اند.

پیامد سنگین این جنگ خانمانسوز برای افغانستان هم به اندازه‌ی بی‌سود است که هنوز با گذشت نزدیک به سه دهه، افغانستان از زیر بار آن، قد راست نتوانسته است. یکی از پیامدهای تلخ این جنگ، آواراگی مهاجران افغانستان است که هنوز در سرزمین‌های بیگانه زجر می‌کشند و تحقیر می‌شوند. پیامدهای دیگر این تهاجم، جنگ‌های خونین داخلی و دخالت کشورهای بزرگ جهان و منطقه و سرانجام ظهور گروه‌هایی به‌نام طالب و داعش در افغانستان است که به تعبیر شماری از رهبران جهاد و مقاومت، امروز هم افغانستان در همان آتشی می‌سوزد که در زمان شوروی می‌سوخت.

# برگشت دوستم یا رفتن حقیقت و عدالت؟

□ ستار ثابت



## چهل کله

سرخ سخی داد هاتفا

### تقویم داغ

در بسیاری از کشورها نام ماه‌های سال فقط نام ماه است، در تقویم. تقویم را که ورق می‌زنند و مثلاً از جنوری به فبروری یا از جون به جولای می‌روند، پیشانی‌شان عرق نمی‌کند، ضربان قلب‌شان تند نمی‌شود و اشک در چشمان‌شان نمی‌گردد. شاید تبسمی کنند از دیدن مارچ، که در آن مراسم عروسی‌شان بود، بیست و پنج سال پیش. شاید چشم‌شان به اول آگست بیفتد و تولد اولین فرزندشان، که حالا مثلاً دیگر برای خود جوان مستقلی شده، خاطره‌ی شیرینی را در خیال‌شان زنده کند. و البته ممکن است، اگر امریکایی باشند و از حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ چیزی به یاد داشته باشند، از ماه سپتامبر خاطره‌ی تلخی داشته باشند.

در افغانستان ماه‌ها این‌گونه نیستند. بگوئید اسد و اسد ماه بحران ملی است. بگوئید جدی و ماه جدی یادآور یک چرخش فاجعه‌آور است. بگوئید ثور و ماه ثور ماه فتنه‌های خونین است. حوت ماه درد و داغ است و سرطان ماهی سرطان. با دلو به چاه فاجعه فرو رفته‌ایم و با میزان میزان آدم‌کشی را در مقیاس‌های تازه تجربه کرده‌ایم. در سنبله خوشه‌های نفرت و خشم‌مان به بار نشست. در عقرب مثل عقرب زهر در جان همدیگر ریخته‌ایم. در جوزا و حمل... صبر کنید. حداقل در ماه حمل و جوزا خبر بدی نبوده. نه، رفتن بررسی کردم. یک عالم بدبختی بوده در این دو ماه. از راکت باران تا جنگ‌های داخلی خونین در پایتخت. گفتم حتماً در ماه قوس خبری نبوده. آن‌جا هم حداقل یک زلزله‌ی وحشتناک داشتیم با هزاران کشته (نه این‌که خودمان بی‌کار بوده‌ایم. فقط تعداد تلفات زلزله بیشتر بوده).

مصیبت ما البته تنها این نیست که ماه‌های سال‌مان نشانه‌های درد و داغ‌اند. بدتر این‌که هر کدام از این موارد درد و داغ برای عده‌ی از ما سند افتخار و قهرمانی است. اگر هفت ثور برای عده‌ی نشانگر ورود مملکت به عصر سیاهی و تباهی است، برای عده‌ی دیگر آغاز روزگار شیرین انقلاب شکوهمند ثور است. اگر هشت ثور برای اکثر مردم افغانستان آغاز حرمان و مصیبت و ویرانی است، برای کثیری از کسانی که امروز در قدرت هم هستند، روز پیروزی انقلاب اسلامی مردم شهید پرور افغانستان است. کودتاها و قتل‌عام‌های فلان ماه اگر مردمی را به خاکستر فاجعه نشانند، در چشم فلان حزب و فلان گروه اجتماعی دیگر خاطره‌های جاودانه‌ی فتح‌المبین‌اند.

ممکن است وجهی از مسأله‌ی وحدت صوری و بسازوفروش قدرت حل و روبه‌راه گردد، اما بدون شک آن چیزی که در این وسط مشکلیش حل نمی‌شود و هزینه‌ی آن نیز بسا سنگین است، مسأله‌ی حقیقت و عدالت است. اگر دوستم حتماً اندکی از آن اعمالی را که به آن متهم است، انجام داده باشد، می‌بایست مورد تحقیقات درست و روشن قرار می‌گرفت و بگیرد. قانون بیشتر در موقعیت‌هایی می‌تواند خودش را به‌مثابه‌ی قانون بازنمایاند که عملی ضدقانون صورت گرفته باشد. بدیهی است که کسی که عملی ضدقانون انجام می‌دهد، همیشه به‌دلیل عدم آگاهی از قانون دست به چنین کاری نمی‌زند، بلکه قانون در پندار او از آن اقتدار و انضباطی برخوردار نیست که بتواند او را مهار کند. لذا، قانون در این‌جاست که خودش را به‌مثابه‌ی یک هنجار اجتناب‌ناپذیر عمومی تثبیت می‌کند. مطابق این هنجار، قانون بر آقای دوستم از آن‌رو باید سخت‌تر و بدون پا پس کشیدن عمل می‌کرد که او معاون رییس‌جمهور بود و می‌پنداشت خودش در بیرون از حیطه‌ی عملکرد قانون ایستاده است. ظاهراً چنین نشد و دوستم دوباره به دفتر کارش حاضر شد. اما چیزی که در این میان گنگ می‌ماند، حضور بی‌رویه‌ی نیروهای ارتش در اطراف خانه‌ی معاون رییس‌جمهور است. مأموریت این نیروها در آن‌جا چیست؟ یعنی، حتماً اگر فرض بگیریم که این نیروها پس از تطمیع و سازش ظاهری دوستم با ریاست‌جمهوری، در واقع مسئولیت دست‌گیری دوستم و یا محافظان او را دارند، آیا نمی‌توان پرسید که چه بخش از این مسأله را به پای قطعیت حکومت در اجرای قانون باید ثبت کرد و چه بخشش را نتیجه‌ی کینه‌توزی و تخیلی‌ی عقده‌های شخصی با استفاده‌ی ابزار از امکانات حکومتی دانست؟ در هر صورت، اما، ماجرا تا این‌جا نشان می‌دهد که قانون؛ حقیقت و عدالت در کشور هنوز غریب‌تر از آن است که با برگشت یا محکوم و دستگیر شدن دوستم بتوان تعلق خاطر و امیدی به آن داشت و مهم‌تر از این، موقعیت و جایگاهی برای آن در نظر گرفت.

از این تبیین، می‌توان چنان‌که در موارد مختلف روشن شده- به شناخت کینه‌توزی به‌مثابه‌ی خصوصیتی بارز در نزد سیاست‌مداران در افغانستان دست یافت. کینه‌های سبک و سنگین با ریشه‌های مختلف، اغلب به‌صورت پیشینی در میان سیاست‌مداران این کشور وجود دارد، اما منافع یا عدم مساعدت زمینه باعث می‌شود که این کینه‌ها برای مدت‌ها همچنان مستور بمانند. اما به‌مجرد این‌که زمینه جهت بروز و ظهور آن‌ها مساعد می‌گردد، همچون زهری مهلک، طوری به سطح می‌آیند که کینه‌توز و آن کسی که مورد کینه‌توزی قرار گرفته است را فلج می‌سازد. بخش عمده‌ی از جنگ‌های قومی و آن‌چه که امروزه نام «جهاد» را بر آن می‌گذارند را می‌توان در این فرمول قرار داد و بررسی کرد. اتفاقی که اخیراً و پس از انتقادات دوستم بر جناح رییس‌جمهور در حکومت، رخ داد، نمونه‌ی از بروز نوعی از این کینه‌توزی‌هاست. این‌که ادعای آقای احمدی‌شچی ثابت می‌شود یا نه، مسأله‌ی جداگانه‌ی است، اما چیزی که در موقعیتی وسیع‌تر از آن مهم است، این است که، چرا چنین اتفاق یا ادعایی، دقیقاً در زمانی صورت می‌گیرد که تیم آقای غنی بیشترین ضرورت را به این دارد که از انتقاد و اقتدار دوستم اندکی کاسته شود ولو با هر امکان و طریقی؟ به‌علاوه، این فرمول به ما کمک می‌کند تا نگاه دقیق‌تری هم به پس‌زمینه‌ی برگشت آقای دوستم به دفتر کارش و محاصره‌ی خانه‌ی ایشان توسط نیروهای ارتش بیندازیم. به این معنا که آیا این رخداد نمی‌تواند الگویی از سیاست «ادغام و حذف» را بازنمایی کند؟ مسأله قبل بر این، این بود که آیا جنرال دوستم محاکمه می‌شود، چگونه و کی؟ اما بدون این‌که هیچ نتیجه‌ی بر این امر مترتب باشد و بی‌آن‌که ادعاهای و گمانه‌زنی‌ها از آن شدت اولیه‌اش فروکش کرده باشد، آقای دوستم به‌عنوان معاون نخست رییس‌جمهور به دفتر کارش برمی‌گردد. اگر همه‌ی آن ادعاهای و ماجراها که بیشتر به یک فاجعه و تباهی پهلو می‌زد، مورد فراموشی قرار گیرد،

جنرال دوستم پس از چهار ماه قهر و دوری از دفتر کار و اجرای وظیفه به‌عنوان معاون نخست ریاست‌جمهوری، روز دوشنبه به دفتر کارش بازگشت؛ بازگشتی که در میان حرف و سخن‌های سنگینی که در این مدت در اطراف جنرال ایجاد شده بود، تا حدی مسأله‌دار و چه‌بسا ناممکن به نظر می‌رسید. جنرال فارغ از اقتدار قومی و وزنه‌ی انکارناپذیری که در معادلات سیاسی دارد، در حقیقت گویا به کار نرم سیاسی زیاد راضی نیست و آن بخش از سیاست‌ورزی را بیشتر دوست دارد که در افغانستان نقش و نمود آن خشونت‌منا است و در واقع می‌توان از آن به یک ضدسیاست تعبیر کرد تا سیاست که خود یک مقوله‌ی نسبتاً مدنی و دموکراتیک است. بر این اساس، آقای دوستم از همان آغاز کارش منحنی معاون نخست رییس‌جمهور، بیشتر از آن‌که یک معاون باشد و به کارهای اداری در قلمرو مسئولیتش بپردازد، راه جبهات جنگ را در پیش گرفت و سنگر را بر دفتر ترجیح داد. در این میان بود که هرازگاهی انتقادات سخت و بدیهی هم بر شورای امنیت و شخص رییس‌جمهور وارد کرد. او چند بار از قوم‌گرایی شدید در نزد رییس‌جمهور سخن گفت و باری هم حمله‌ی که بر او صورت گرفت و شمار زیادی از محافظانش در آن قربانی شد را، توطئه‌ی از سوی شورای امنیت خواند. این رویکردی بود که می‌توان موقعیت و موضع جنرال دوستم را در حکومت وحدت ملی با آن نشان‌دهی کرد. مجموع این مسایل و عوامل بود که سبب گردید دوستم از یک متحد پروپاقرص رییس‌جمهور غنی و تیمش، به مخالف و منتقد او تبدیل شود و در نتیجه بازی قدرت -یا قید وضعیت و خصوصیات، یعنی در افغانستان- صورت رقابت‌جویانه‌ی پیچیده‌تری به‌خود بگیرد. سیاست به‌مثابه‌ی حوزه‌ی دارای کارکرد و مسئولیت عمومی، عریان‌ترین صحنه جهت بروز ویژگی‌های فردی نیز هست. از این‌رو، حتماً می‌توان برای پی بردن به ویژگی‌های روان‌شناختی افراد، افرادی که در عرصه‌ی سیاست نقش ایفا می‌کنند، به این عرصه رجوع کرد. حالا منظور این است که با استفاده

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۵۰۰۰ افغانی	یک ساله

برای متعلمین و محصلین	
۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: خلیل پژواک
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: [hussainjoya2014@gmail.com](mailto:hussainjoya2014@gmail.com)
- [dailyetilaatroz@gmail.com](mailto:dailyetilaatroz@gmail.com)
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



بگو مگو facebook



**Khadim Hussain Karimi**

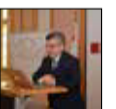
«دلیل حنجره بستن چیست؟»

امروز، اختتامیه جشنواره شعر امروز افغانستان در تالار اجتماعات دیپارتمنت زبان و ادبیات چینی دانشگاه کابل برگزار شد. برگزارکننده این جشنواره، اتحادیه‌ی نویسندگان افغانستان بود که به رأی هیأت داور، ده شاعر برتر ده سال اخیر شعر فارسی افغانستان را انتخاب کردند. در حوالی برگزاری این جشنواره، اعتراض‌هایی وارد بود. از بدرفه‌ی این برنامه با ریشخند و جُوک و کنایه‌های تند و نیشدار تا کما بیش دشنام‌های سخت و سنگین. سکوت بخش بزرگی از فرهنگیان، نوع دگری از اعتراض بود. به نظرم این اتفاق، برای اهل ادبیات و هنر و فرهنگ، رخداد برجسته و قابل‌گفت‌وگویی ست. سخن گفتن در مورد نهادی به اسم و رسم کلان و بزرگی چون اتحادیه‌ی نویسندگان افغانستان، برگزاری جشنواره‌ی به این کم و کیف، ترکیب و کیفیت هیأت داور جشنواره، مناسبات حاکم بر چنین فعالیت‌های فرهنگی-ادبی، چگونگی گزینش شاعران و معیارهای داور و انتخاب و دگر زوایا و رخ‌های این رخداد، از خیل سخن‌ها و بحث و گفت‌وگوهای غالباً کلیشه‌یی دگر میان اصحاب ادبیات و هنر و فرهنگ که متأسفانه رواج یافته است، مهم‌تر است. اهالی فرهنگ و هنر و ادبیات، نمی‌توانند و نباید، از کنار چنین اتفاق‌هایی، با سکوت و بی‌مبالاتی یا ادبیات و رویکرد صرفاً کین توزانه، سبک، منفی‌انگارانه و جُوک پردازانه بگذرند. من، از آغاز تا پایان، با وقفه‌یی کوتاه در بخشی از برنامه که برندگان را به جایگاه دعوت کردند، با دقت این برنامه را همراهی کردم. خودم را آن چنان که سخن صواب و کارآمدی داشته باشم، صاحب نظر و مشرف بر امور نمی‌دانم ولی فکر می‌کنم این برنامه، برای کسانی که درگیر ادبیات اند و آگاه و مشرف بر امور، بهانه‌یی جدی ست برای سخن‌های جدی و صریح و مسئولانه و نقد و بررسی چنین جریان‌ها و رخدادهایی در عرصه‌ی ادبیات و فرهنگ و هنر. اگر نقدها و عیب و ایرادهایی با استدلال‌های منطقی و قوی، بر چنین رخدادهای فرهنگی-هنری وارد است -که به قطع چنین است- چرا زبان به بد و بیراه و بذله‌گویی صرف آلوده کنیم؟ چرا سکوت کنیم؟ مگر نه این است که از دل گفت‌وگوها و عرصه‌ی نقد و بررسی‌ها، بهبود و کیفیت و رسایی یا دست‌کم برآفتاب شدن وضعیتی که جاری ست، برون می‌شود.



**Haseeb Ammar**

هر قدر که پژوهش‌های بیشتر در مورد دولت‌ملت‌سازی می‌خوانم، می‌بینم که افغانستان کشوری بی‌ملت و بی‌هویت ملی قلمداد شده اولوی‌ر، رواج دانشمند نام آور فرانسوی، که دیروز مجدداً کتابش در مورد افغانستان را می‌خواندم، یکی از پژوهشگرانی است که چنین باور دارد. او پژوهش‌های میدانی متعدد در افغانستان انجام داده است.



**Malek Sitez**

مشاور حرفه‌یی یعنی «صلاحیت» با صلاحیت‌ترین سیاست‌مدار جهان نخست‌وزیر آلمان است. محکم‌ترین پشت‌وانه‌ی صلاحیت نخست‌وزیر آلمان، قانون‌مداری‌اش است. نخست‌وزیر آلمان دست‌یار حقوقی دارد که تمام فیصله‌های وی را در مشوره با پژوهش‌گران حقوقی قبل از تنفیذ مرور می‌کند. دست‌یار حقوقی، فیصله‌های نخست‌وزیر را به‌گونه پایه‌دار با دبیرخانه، بوندیس‌تاگ مشوره می‌کند. نخست‌وزیر هیچ‌گامی فیصله‌هایی را که در قانون تفسیر نشده و یا در لویایح سیاسی که بر بنیاد قوانین شکل گرفته باشند، مشروعیت نداشته باشد، اتخاذ نمی‌کند. باصلاحیت‌بودن نخست‌وزیر آلمان به‌معنای قدرت شخصی وی نیست، بلکه اقتدار شخصیتی وی است که در قوانین این کشور تعریف شده است. صلاحیت به‌معنای تمحیل قدرت نیست. صلاحیت به‌معنای تمحیل اقتدار قانونی در ساختارهای نظام است. برخی‌ها تصور می‌کنند که قدرت‌مندترین سیاست‌مدار دنیا رییس‌جمهور آمریکا است. اما از دید حقوقی فرهنگ تنفیذ قانون از رهبری بر ساختارهای سیاسی نظام، در جمهوری فدرال آلمان مرتب‌تر و مشروع‌تر است. از این رو، نخست‌وزیر آلمان را از دیدگاه هم‌آهنگی قانون با سیاست در عرصه‌ی خدمات اجتماعی، پرقدرت‌ترین سیاست‌مدار جهان فکر می‌کنم. داشتن مشاور حرفه‌یی و اقتدارگرا می‌تواند هر مدیری را به رهبر باصلاحیت تبدیل کند. نخست‌وزیر آلمان از کم‌مشاورترین رهبران و دارنده‌ی مستعدترین مشاوران در میان رهبران کشورهای بزرگ جهان است.

## مالزی: علت مرگ برادر رهبر کوهی شمالی هنوز مشخص نیست

است. او گفته است تا زمان دریافت گزارش آزمایشگاهی، نمی‌تواند اطلاعات بیشتری را در اختیار رسانه‌ها قرار دهد. کیم جونگ نام که زمانی از او به عنوان جانشین پدرش در مقام رهبری کوهی شمالی یاد می‌شد طی پانزده سال گذشته بیشتر در خارج از آن کشور به خصوص در چین و سایر کشورهای منطقه اقامت داشته و گفته می‌شود که به دلیل انتقاد از روش حکومت‌داری کوهی شمالی هدف خصومت رهبر و تشکیلات امنیتی آن کشور بوده است. اگرچه مالزی از جمله معدود کشورهای دارای روابط نزدیک با کوهی شمالی بوده، خودداری دولت آن کشور از تحویل جنازه کیم جونگ نام به کوهی شمالی و تصمیم به کالبدشکافی جنازه او باعث تیرگی روابط دو کشور شده است. دولت مالزی تاکید داشته که در این زمینه، طبق قوانین و مقررات شناخته شده بین‌المللی عمل می‌کند اما دولت کوهی شمالی این اقدام را نتیجه تحریکات کوهی جنوبی دانسته است. تشکیلات اطلاعاتی کوهی جنوبی گفته‌اند که برادر ناتنی رهبر کوهی شمالی به قتل رسیده و دولت کوهی شمالی در این ماجرا دست داشته است. آنان به موارد متعدد قتل کسانی اشاره کرده‌اند که از نظر حکومت کوهی شمالی نامطلوب تلقی می‌شدند و گفته‌اند که اگرچه کیم جونگ نام ظاهراً جاه طلبی سیاسی خاصی نداشت، اما موقعیت او در «خانواده حکومتی» می‌توانست باعث نگرانی برادرش شود. روز سه‌شنبه، نجیب رزاق، نخست‌وزیر مالزی، اظهارات سفیر کوهی شمالی در اندونزی در مورد رسیدگی به ماجرای مرگ کیم جونگ نام را «کاملاً غیر قابل قبول و از نظر دیپلماتیک، توهین آمیز» توصیف کرد اما گفت که دولت مالزی همچنان مصمم است به قوانین و مقررات خود در این مورد عمل کند. سفیر کوهی شمالی در اندونزی گفته بود که در زمینه بررسی این ماجرا، کشورش «نمی‌تواند به مالزی اعتماد کند.» (بی‌بی‌سی فارسی)

مقامات مالزیایی گفته‌اند که هنوز دلیل مرگ برادر رهبر کوهی شمالی مشخص نشده و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد. نخست‌وزیر مالزی هم از اظهارات برخی مقامات کوهی شمالی در این مورد ابراز ناخرسندی کرده است. روز سه‌شنبه، ۳ اسفند (۲۱ فوریه)، در پی کالبدشکافی جنازه‌ی کیم جونگ نام، برادر ناتنی کیم اون جونگ، رهبر کوهی شمالی، نور هشام عبدالله، مدیرکل وزارت بهداشت مالزی، به خبرنگاران گفت که هنوز علت مرگ او مشخص نیست. کیم جونگ نام هفته گذشته در فرودگاه کوالالمپور، پایتخت مالزی، درگذشت و پلیس این کشور چند نفر را به ظن قتل او بازداشت کرده است. این مقام وزارت بهداشت مالزی گفت که مشاهدات اولیه هیچ‌گونه اثری از فرو رفتن سوزن یا جسم تیز در بدن کیم یا مرگ در اثر سکتته‌ی قلبی را نشان نداده است اما موضوع مسمومیت احتمالی او در دست بررسی

## سازمان سیا کمک‌هایش به ارتش آزاد سوریه را قطع کرد

عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان سعودی در گفت‌وگو با روزنامه آلمانی زبان «زود دوپچه تسایوتونگ» از آمادگی کشورش برای اعزام نیروی زمینی به سوریه خبر داده است. الجبیر در گفت‌وگو با «زوددوپیچه تسایوتونگ» گفته است: «ما با امریکا صحبت می‌کنیم که ببینیم چه برنامه‌ای در نظر دارند. آن وقت برای اجرای این برنامه کمک می‌کنیم.» دونالد ترامپ به جیمز ماتیس ۳۰ روز فرصت داده که برنامه تازه ایالات متحده امریکا در سوریه را طراحی کند. وزیر خارجه عربستان سعودی گفته است به زودی این برنامه آماده می‌شود. در حال حاضر فقط ۵۰۰ سرباز ارتش امریکا به عنوان مستشار در شمال سوریه حضور دارند. بازار اوپاما، پیش از پایان دوره دوم ریاست جمهوری‌اش ۲۰۰ مستشار دیگر را به سوریه اعزام کرد. گروه‌های شورشی در سوریه و عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین ترکیه خواهان کناره‌گیری بشار اسد و تشکیل یک دولت موقت‌اند. ایران از اسد دفاع می‌کند. روسیه هم چندان اصراری بر بقای حکومت اسد ندارد. ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶ روسیه در قراردادی که با دولت بشار اسد منعقد کرد، استفاده از دو بندر لاذقیه و طرطوس و پایگاه نظامی در لاذقیه را به مدت ۴۹ سال تمدید کرد. دسترسی به دریای مدیترانه و گسترش نفوذ در خاورمیانه از مهم‌ترین هدف‌های روسیه است. (راديو زمانه)

سازمان سیا کمک‌های نظامی‌اش به ارتش آزاد سوریه را قطع کرد. کمک‌های سازمان سیا به ارتش آزاد سوریه شامل دستمزد ماهانه، آموزش شورشیان، مهمات، سلاح‌های سبک و در برخی موارد شامل سلاح‌های نیمه‌سنگین مانند موشک‌های هدایت‌شونده ضد تانک می‌شد. یکی از کارمندان سازمان سیا به خبرگزاری رویترز گفته است قطع این کمک‌ها به تحولات سیاسی اخیر در امریکا و پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ربط ندارد. سازمان سیا کمک‌هایش را به ارتش آزاد سوریه به خاطر ناکارآمدی این گروه از شورشیان سوریه در مقابله با گروه‌های جهادی و تکفیری قطع کرده است. دیده‌بان حقوق بشر سوریه گزارش داده که شامگاه گذشته گروهی به نام «خالد بن ولید» که با داعش بیعت کرده، کنترل شهرک‌های «تسیل»، «سجم الجولان» و «عدوان» و بلندی‌های استراتژیک «جموع» در مثلث مرزی واقع بین جولان، اردن و استان درعا در سوریه را به دست گرفت. این مناطق تحت کنترل ارتش آزاد سوریه بود. گروه «خالد بن ولید» سال گذشته از ائتلاف چندین گروه کوچک‌تر از شبه‌نظامیان طرفدار داعش تشکیل شد. اکنون این گروه بر جنوب شرقی بلندی‌های جولان تسلط پیدا کرده است. یکی از مسئولان ارتش آزاد سوریه به خبرگزاری رویترز گفته است: «واقعیت این است که تغییری در راه است. تا وقتی که این تغییرات اعمال نشود، ارتش آزاد سوریه

## الهام علی‌اف همسرش را معاون اول رییس‌جمهور آذربایجان کرد

دیگر رییس‌جمهور ایجاد کرد که از طرف اوپوزیسیون و فعالان مخالف حزب حاکم، به عنوان ایزاری برای مستحکم کردن جایگاه علی‌اف در قبضه قدرت این کشور نختییز عنوان شد. الهام علی‌اف این ادعاها را رد کرده است. قبل از همه پرسى پارسال، بر اساس قانون، نخست‌وزیر کشور قدرت را بعد از فوت وی یا ناتوانی رییس‌جمهور اداره‌ی کشور بر عهده می‌گرفت. این همه‌پرسی همچنین مدت زمان ریاست‌جمهوری را از پنج سال به هفت سال افزایش داد. همه پرسى‌های دیگری در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹ برگزار شد که با انتقاد اوپوزیسیون همراه شده بود. (راديو فردا)

الهام علی‌اف، رییس‌جمهور آذربایجان، همسرش را به عنوان معاون اول ریاست‌جمهوری این کشور انتخاب کرد. به گزارش سایت رسمی نهاد ریاست‌جمهوری آذربایجان، آقای علی‌اف این دستور را روز سه‌شنبه سوم اسفندماه صادر کرد. مهربان علی‌وا، همسر ۵۲ ساله رییس‌جمهوری آذربایجان هم اکنون معاون رییس حزب حاکم «آذربایجان نوین»، عضو پارلمان، رییس نهاد غیردولتی «حیدر علی‌اف» (رییس‌جمهور سابق و پدر الهام علی‌اف)، همچنین سفیر حسن نیت یونسکو و آیسسکو است. به گزارش راديو اروپای آزاد/راديو آزادی، بر اساس رفتارندومی که سال گذشته در آذربایجان برگزار شد، سمت معاون اولی

## واکنش زیدان به بحران اخیر در بارسلونا

زیدان دیروز در نشست خبری بازی به تعویق افتاده با والنسیا گفت: «می‌دانیم که در لالیگا بازی ساده وجود ندارد. در ماه فیوروری هستیم و شرایط ما هم خوب است ولی این معنای خاصی ندارد. مطلعیم که بازی با والنسیا چقدر دشوار است. بازی فردا برای همه تیم‌های لالیگا اهمیت دارد. اگر ببریم تنها سه امتیازش برای ما مهم خواهد بود و هیچ اتفاق دیگری نخواهد افتاد. این بازی در سرنوشت قهرمانی تاثیرگذار نیست. والنسیا اخیرا متحول شده؛ هرچند که قبلا هم خوب بازی می‌کرد و فقط نتیجه نمی‌گرفت. بازی در مستایا هم مثل همیشه دشواری‌های خاص خود را دارد. سپس بازی با ویا رئال در پیش است و به ماه تعیین کننده مارچ خواهیم رسید. از این پس تمام بازی‌ها دشوار خواهند بود و باید بسیار مراقب باشیم.»

خروجی‌های باشگاه در تابستان: «برای من و بازیکنان، فقط شرایط حال اهمیت دارد و هیچکدام به تابستان فکر نمی‌کنیم. در مورد فصل بعد به موقعش تصمیم خواهیم گرفت.»

تردید ايسكو برای تمدید: «درک می‌کنم. شما دیدگاه من در مورد ايسكو را می‌دانید. او یک بازیکن مهم برای من محسوب می‌شود ولی هر بازیکنی دوست دارد ۹۰ دقیقه بازی کند و از تعویض شدن یا نیمکت نشینی بدش می‌آید. من ۲۴ بازیکن در اختیار دارم که

## چیچاریتو: گولم با پیراهن رئال به اتلتیکورا تکرار می‌کنم

ستاره مکزیکی بایرلورکوزن که سابقه بازی برای رئال را هم در کارنامه دارد، تاکید کرد تیمش برای صعود به دور بعد باید بهترین بازی خود را برابر اتلتیکو مادرید به نمایش بگذارد.

بایرلورکوزن برای صعود به جمع هشت تیم برتر لیگ قهرمانان اروپا، کار سختی پیش‌رو دارد و باید بتواند اتلتیکومادرید را شکست بدهد.

امید نخست لورکوزن برای گول‌زنی در دیدار برابر اتلتیکومادرید خاویر هرناندس است. این بازیکن مکزیکی پیش از این دیدار گفت: «می‌خواهیم بهترین بازی خود را به نمایش بگذاریم تا به دور بعد راه پیدا کنیم. بازی کردن برابر اتلتیکومادرید بسیار سخت است. این تیم فصل قبل به فینال راه پیدا کرد و این نشان

## آمار عجیب و غریب بارسای انریکه در پنالٹی‌ها

از سال ۲۰۱۴ که انریکه هدایت بارسا را بر عهده گرفته، آمار جالبی برای ایبی اناری‌ها در ضربات پنالٹی به ثبت رسیده است.

در دو سال و نیم گذشته، برای بارسا در لالیگا ۳۰ ضربه پنالٹی به ضرر یا به نفع اعلام شده است. ۲۴ پنالٹی به سود بارسا و تنها ۶ پنالٹی برای حریفانش.

از ۱۴ فیوروری گذشته یعنی ۳۷ هفته پیش، دیگر به ضرر بارسا در رقابت‌های لالیگا پنالٹی اعلام نشده که در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود. آخرین بار گیدتی از سلتا بود که توانست در نوکمپ به بارسا از روی نقطه



چهارشنبه | ۴ حوت، ۱۳۹۵  
سال ششم | شماره ۱۲۵۱

## بونوچی:

### چرا به سیتی و بارسلونا نرفتم

لئوناردو بونوچی، مدافع باتجربه یوونتوس از دلایل رد پیشنهاد بارسلونا و منچستر سیتی در تابستان امسال گفت.

بعد از درخشش در یورو ۲۰۱۶، دوباره تیم‌های بزرگی از سراسر اروپا خواهان جذب بونوچی شدند اما او باز هم ترجیح داد در تورین باقی بماند. در سال‌های اخیر و به علت درخشش مستمر، بونوچی معمولا یکی از مدافعانی است که به شدت مورد توجه تیم‌های متمول قرار می‌گیرد.

بونوچی گفت: «دادن پاسخ منفی به تیم‌هایی مانند بارسلونا و منچستر سیتی هرگز آسان نیست و چگونه می‌توان به بازی کردن زیر نظر بهترین سرمربی دنیا فکر نکرد؟ من این تصمیم را خیلی راحت نگرفتم و زمانی که خواستم به گواردیولا نه بگویم، بارها به دلایل آن فکر کردم. اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که در یوونتوس احساس رضایت دارم. من علاقمندم که ابتدا در ایتالیا و بعد از آن در اروپا جام‌های متعددی کسب کنم.»

## پل اسکولز: موری نیو باید تونی

### کروس را به خدمت بگیرد

پل اسکولز، هافبک درخشان یونایتد در گذشته، معتقد است تونی کروس بهترین گزینه برای تقویت خط میانی یونایتد است.

در روزهای اخیر اخبار زیادی در مورد تمایل شیاطین سرخ به جذب تونی کروس شنیده شده اما این هافبک آلمانی تا سال ۲۰۲۲ با رئال قرارداد دارد و یونایتد‌ها کار سختی برای به خدمت گرفتن او دارند.

اسکولز گفت: «خط میانی یونایتد به تونی کروس یا هافبکی مانند او نیاز دارد. بازیکنی که در پست خود به خوبی بازی می‌کند و منطقه بازی کردن خودش را می‌شناسد. تونی کروس قادر به کنترل جریان بازی است و هرگز او را در زمین سرگردان نمی‌بینیم.»

از نظر من تونی کروس بهترین گزینه برای خط هافبک منچستر است. البته نمی‌دانم امکان جذب او وجود دارد یا اصلا موری نیو او را می‌خواهد یا خیر. اما کریک هم لایق تمدید قرارداد یک ساله است زیرا هرگز در این سال‌ها به اندازه خدماتش مورد تقدیر قرار نگرفته است اما همیشه با عشق و علاقه فراوان در خدمت یونایتد بوده است.»

## گریزمان: باخت در فینال به رئال

### تقصیر من بود

آنتوان گریزمان، ستاره فرانسوی اتلتیکومادرید در مورد دیدار فینال لیگ قهرمانان سال قبل برابر رئال مادرید صحبت کرد.

علیرغم از دست دادن پنالٹی توسط گریزمان، اتلتیکو مادرید موفق به جبران گول راموس شد اما آن‌ها در نهایت در پنالٹی مغلوب کلهکشان‌ها شدند. یک ماه بعد گریزمان با تیم ملی فرانسه نیز در فینال یورو شکست برابر پرتگال را تجربه کرد.

گریزمان گفت: «اگرچه من خاطرات خوبی از دو فینال لیگ قهرمانان و یورو دارم اما این دو شکست بی‌شک از تلخ‌ترین اتفاقات دوران حرفه‌یی من هستند و من معتقدم شکست برابر رئال تقصیر من بود.

البته دیگو سیمونه مانند همیشه از من حمایت کرد و بعد از آن مسابقه به من گفت که باخت به رئال تقصیر من نبوده و من نقشی حیاتی در رسیدن اتلتیکو به فینال داشته‌ام. سیمونه از من خواست نگران نباشم زیرا ما باز هم به سختی تلاش می‌کنیم تا به فینال لیگ قهرمانان برسیم.»

## تهدید جدی سرمربی ناپولی به جدایی

در واقع همه چیز پس از تساوی خانگی ناپولی با تیم قهرنشین پارمو (سه هفته قبل) آغاز شد و پس از بازی با رئال شدت گرفت. دی لائورتیس پس از شکست ناپولی برابر رئال علنا در رسانه‌ها به انتقاد از تاکتیک‌های ساری پرداخت که این مساله به مذاق مربی ناپولی خوش نیامد و حتی بین این دو در باشگاه درگیری لفظی نیز رخ داده است.

طبق ادعای این منبع، ساری تهدید کرده است که تحت هر شرایطی پایان فصل هدایت ناپولی را رها خواهد کرد. دو هفته مانده بازی برگشت با رئال، این جنجال نمی‌تواند خبر خوبی برای هواداران ناپولی باشد.

## گیگز: آرزویم پیوستن بیل به یونایتد است

گیگز، هموطن بیل، در مصاحبه جدید خود در مورد این بازیکن گفت: «این یک واقعیت است که هم من و هم هواداران یونایتد، آرزوی در اختیار داشتن گرت بیل را در سر داریم. بازگشت او به لیگ برتر، به هیجان انگیزتر شدن و نیز بالاتر رفتن کیفیت فوتبال انگلیس کمک خواهد کرد ولی من گرت را در رئال مادرید خوشحال می‌بینم و بعید می‌دانم به این زودی‌ها او این تیم را ترک کند.»

## ایگواین: از مقایسه مسی و دیبالا متنفرم

فوق‌العاده‌یی دارد و شک ندارم که به زودی یکی از بهترین‌های دنیا خواهد شد. فقط به او اجازه دهید به دور از مقایسه شدن‌ها و در آرامش، فوتبال خودش را بازی کند.»

اشتیاق بازی برای یووه: «قبل از بازی‌های خانگی و در تونل ورزشگاه، با دیدن عکس‌های ستاره‌هایی چون پلاتینی، زیدان، دل پیرو و باجو که پیش از این برای یووه بازی می‌کردند، انگیزه بسیار زیادی می‌گیرم و به خودم می‌گویم چرا نباید حداکثر توانم را در زمین برای این پیراهن بگذارم؟»

## تیته: کاش مسی در برزیل به دنیا می‌آمد

برزیل و ارجنتاین، آن‌ها را تیم بزرگی می‌دانیم. مسی استثنایی است. توانایی او در خلط موقعیت، در محوطه جریمه و ... فوق‌العاده است. او کاری را انجام می‌دهد که دیگران نمی‌توانند.»

تیته درباره مقایسه مسی و رونالدو گفت: «این دو بازیکن دو سبک متفاوت هستند، یکی گولزن و تمام کننده و دیگری گول‌ساز و بازیگوش و جادویی. آن‌ها دو سبک متفاوت هستند. حضور هم‌زمان آن‌ها در یک تیم هر رقیبی را منفجر می‌کند.»

پس از شکست ۳-۱ ناپولی مقابل رئال مادرید، اختلافات در این تیم به اوج خود رسیده است.

ناپولی به گواه بسیاری، زیباترین فوتبال در ایتالیا را به نمایش می‌گذارد و بخش مهمی از این مساله به سبک تهاجمی‌ای است

که مربی این تیم مائوریتزیو ساری در ناپولی پیاده کرده است.

ناپولی در سری A تیم سوم جدول است و پس از شکست از رئال، احتمالاً در یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان از دور رقابت‌ها کنار خواهد رفت.

گائرتزا دلوسپورت دیروز فاش ساخت که مشکلات بین مالک ناپولی (دی لائورتیس) و ساری به اوج خود رسیده است.

رایان گیگز، اسطوره باشگاه منچستر یونایتد ابراز امیدواری کرد که گرت بیل روزی به لیگ برتر بازگشته و پیراهن یونایتد را بر تن کند.

یونایتد‌ها هرگز کتمان نکرده‌اند که در رویای جذب گرت بیل به سر می‌برند. فوق ستاره ولزی، چهارمین فصل حضورش در رئال را پشت سر می‌گذارد و یک بازیکن فوق‌العاده محبوب و تاثیرگذار در جمع کلهکشان‌هاست.

گونزالو ایگواین، ستاره ارجنتاینی یوونتوس، همواره از تمجید کنندگان پائولو دیبالا، پدیده این روزهای فوتبال دنیا بوده است.

بسیاری معتقدند که دیبالا به زودی پا جای پای مسی خواهد گذاشت. ستاره جوانی که دو سال پیش از پارمو راهی یووه شد و حالا رئال مادرید و بارسلونا را به شدت علاقمند به خود می‌بیند. ایگواین، که تابستان امسال با رقم ۹۰ میلیون یورو از ناپولی به یووه پیوست، در مورد مقایسه دیبالا با مسی گفت: «از این مقایسه و کلا از هر نوع مقایسه‌یی متنفرم. دیبالا کیفیت و توانایی‌های

تیته، سرمربی برزیل به تمجید از مسی پرداخت و گفت که کاش او برزیلی بود.

مسی ۲۹ ساله هنوز به دنبال کسب اولین جام ملی با ارجنتاین است ولی در بارسلونا جام‌های زیادی کسب کرده و ۵ توپ طلا به دست آورده، بیش از هر کس دیگری. با وجود رقابت شدید برزیل و ارجنتاین، تیته عنوان کرد که کاش مسی در برزیل بود.

او گفت: «بله دوست داشتم مسی در برزیل به دنیا می‌آمد. بدون در نظر گرفتن رقابت بزرگ بین



## ترکیب حساسیت بر انگیز نمایندگان افغانستان در کنفرانس مونیخ

فهاد آریایی

را بازتاب نداده، از اقوام مختلف (همه‌ی مردم افغانستان) نمایندگی نمی‌کند. روشن‌ترین نمونه در این زمینه، ترکیب هیات افغانستان در کنفرانس امنیتی مونیخ بود که همگی را افراد متعلق به یک قوم تشکیل می‌داد. در پاسخ به این که چرا در ترکیب هیات افغانستان از اقوام دیگر حضور ندارد، شاید گفته شود که این اتفاق ناخواسته و بر مبنای وظایف مقامات حکومتی، افتاده است. استدلالی که نمی‌تواند قانع‌کننده باشد؛ زیرا رییس‌جمهور، با اختیار کامل خود را در حلقه‌ی افراد متعلق به قوم خود قرار داده و اعضای کلیدی حکومت خود را از قوم خود برگزیده است.

علاوه بر این، صلاح‌الدین ربانی وزیر امور خارجه، که بایست در کنفرانس مونیخ حضور می‌داشت، در ترکیب هیات نبود؛ وظیفه‌ی او را اکیلل حکیمی وزیر مالیه انجام داد و توافق‌نامه‌ی مشارکت و توسعه بین افغانستان و اتحادیه‌ی اروپا را با فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا امضا کرد. در این مورد شاید گفته شود که چون وزیر امور خارجه مصروف برنامه‌ها و سفرهای دیگر بود، عضویت هیات افغانستان در کنفرانس بروکسل را نداشت. این استدلال نیز، قانع‌کننده نیست، زیرا برنامه‌ها و سفرهای وزیر امور خارجه می‌توانست طوری تنظیم شود که مانع حضور او در ترکیب هیات افغانستان نشود.

از آن‌چه گفته آمد به این نتیجه می‌توان رسید که تمندی در کار است تا یک حلقه‌ی قومی در راس نهادهای کلیدی حکومتی قرار گرفته، تصمیم‌های کلیدی را در مورد آینده افغانستان بگیرد. این امر بیانگر آن است که به جای برنامه‌ی ملی، برنامه‌ی قومی در دستور کار ارگ ریاست‌جمهوری قرار دارد. بناءً افراد متعلق به اقوام دیگر از تصمیم‌گیری دور نگهداشته شده و یا هم دور زده می‌شوند، تا مانع برنامه‌ی قومی ارگ ریاست‌جمهوری نشوند. همچنین، هنگام مذاکره و گفت‌وگو با جامعه‌ی بین‌المللی نیز، همان حلقه‌ی قومی حضور می‌یابند تا بتوانند برنامه‌های قومی خود را عرضه کنند و با چالش مواجه نشوند. هرچند نویسنده آرزو می‌کند این نتیجه‌گیری درست نباشد و برنامه‌ی قومی وجود نداشته باشد، اما نشانه‌ها و شواهد جای خوش‌بینی باقی نمی‌گذارد. آن‌چه باقی می‌ماند این است که رییس‌جمهور، چندقومی بودن افغانستان را در نظر بگیرد و با رها کردن خود از یک حلقه‌ی قومی و تأمین حضور اقوام مختلف (همه‌ی مردم افغانستان) در حکومت و بازسپردن وظیفه‌ی نهادهای به حاشیه‌رانده شده به آن‌ها، و همچنین تأمین حضور نمایندگان اقوام مختلف (همه‌ی مردم افغانستان) در هیات‌های افغانی برای شرکت در مجامع بین‌المللی و بازتاب یافتن هویت چندقومی افغانستان؛ بدینی‌ها را برطرف کند. در غیر آن، هیات‌های آن‌چنانی که در کنفرانس مونیخ رفتند، حساسیت‌های قومی را در جامعه‌ی قومی که هویت‌های قومی مهم‌ترین دغدغه‌ی مردم است، افزایش خواهد داد. افغانستان کشور تنوع است و این کثرت باید در مناسبات قدرت تأمین شود.



**علاوه بر این، صلاح‌الدین ربانی وزیر امور خارجه، که بایست در کنفرانس مونیخ حضور می‌داشت، در ترکیب هیات نبود؛ وظیفه‌ی او را اکیلل حکیمی وزیر مالیه انجام داد و توافق‌نامه‌ی مشارکت و توسعه بین افغانستان و اتحادیه‌ی اروپا امضا کرد. در این مورد شاید گفته شود که چون وزیر امور خارجه مصروف برنامه‌ها و سفرهای دیگر بود، عضویت هیات افغانستان در کنفرانس بروکسل را نداشت. این استدلال نیز، قانع‌کننده نیست، زیرا برنامه‌ها و سفرهای وزیر امور خارجه می‌توانست طوری تنظیم شود که مانع حضور او در ترکیب هیات افغانستان نشود.**

سمبولیک ساخته است. در چنین وضعیتی، وقتی هیات‌های افغانستان در مجامع بین‌المللی نیز اشتراک می‌کنند، هویت چند قومی افغانستان

را باز تاب داده، از اقوام مختلف (همه‌ی مردم افغانستان) نمایندگی کند. اما با تشکیل حکومت وحدت ملی، در راس نهادهای کلیدی حکومت یک قوم قرار گرفته و یا هم در صورت قرار گرفتن اقوام دیگر در راس یک نهاد کلیدی، نهادهای دیگر حکومتی آن نهاد را دور زده و به حاشیه رانده است. طور مثال، وزارت امور خارجه که یکی از وزارت‌های کلیدی به‌شمار می‌رود و باید نقش مهمی در سیاست‌گذاری خارجی داشته و اجرای آن را بر عهده داشته باشد، توسط ارگ ریاست‌جمهوری و نمایندگان ویژه‌ی رییس‌جمهور دور زده شده، اکیلل حکیمی، به‌علاوه‌ی این که وزیر مالیه است، در عمل به‌عنوان وزیر امور خارجه یا وزیر خارجه دی‌فکتو فعالیت می‌کند. این وضعیت نه تنها این احساس را در میان اقوام دیگر به‌وجود آورده است که از آن‌ها در حکومت نمایندگی نمی‌شود و زمام امور مملکت در اختیار پشتون‌ها قرار دارد، بلکه نهادهای حکومتی را که اقوام دیگر در راس آن‌ها قرار دارد نیز به حاشیه رانده و نقش آن‌ها را

افغانستان کشوری چندقومی بوده و هویت قومی تعیین‌کننده‌ترین عامل در رفتارهای سیاسی و اجتماعی افغان‌ها است. باشندگان افغانستان، مشارکت سیاسی را در حضور نمایندگان قوم خود در حکومت می‌بینند و حقوق سیاسی خود را، اکثراً، در امتداد خطوط قومی به‌کار می‌برند. در انتخابات‌ها که روشن‌ترین نمونه‌ی به‌کار بردن حقوق سیاسی است، اقوام مختلف، اکثراً، به کاندیدهای قوم خود رای می‌دهند. گروه‌های قومی در عمل حوزه‌های انتخاباتی (constituencies) را تشکیل می‌دهند و مقام‌های حکومتی هر حوزه نماینده‌ی قوم مربوط پنداشته می‌شوند. پس از سقوط طالبان تلاش شده است تا چندقومی بودن افغانستان در ترکیب مقام‌های عالی حکومتی بازتاب یابد و از اقوام مختلف (همه‌ی مردم افغانستان) در حکومت نمایندگی شود. بر همین منوال، تا پیش از ایجاد حکومت وحدت ملی به‌رهبری محمد اشرف غنی، تلاش می‌شد تا هیات‌های افغانستان در مجامع بین‌المللی نیز چندقومی بودن افغانستان

**تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا**

داریانا افغان هوایی شرکت  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

1 مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.

2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.

3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

مسیرها: DUBAI, JEDDAH, ISTANBUL, ANKARA, MOSCOW, URUMQI, DELHI